

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش مقاومت

عنوان:

بررسی و تبیین رابطه‌ی ادبیات پایداری فلسطین با ادبیات مقاومت انقلاب اسلامی

ایران، در دیوان محمود درویش و اشعار انقلابی علی موسوی گرمارودی

پژوهشگر:

بهروز وفادار

دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌ها خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش مقاومت

عنوان:

**بررسی و تبیین رابطه‌ی ادبیات پایداری فلسطین با ادبیات مقاومت انقلاب اسلامی
ایران در دیوان محمود درویش و اشعار انقلابی موسری گرمارودی**

استاد راهنما:

دکتر رامین محرمی

استاد مشاور:

دکتر شکرالله پورالخاص

پژوهشگر:

بهروز وفادار

سال ۱۳۹۳

تهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه



تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقرّرات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

رشته تحصیلی: ...

اینجانب بهروز وفادار دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی گرایش مقاومت دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجه‌ی نمین دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۱۱۱۴۱۳۲۰۹ که در تاریخ ... از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان « بررسی و تبیین رابطه‌ی ادبیات پایداری فلسطین با ادبیات مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دیوان محمود درویش و اشعار انقلابی علی موسوی گرمارودی » دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه و با رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر نموده‌ام.

(۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هر گونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی، طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو: بهروز وفادار

امضا

تاریخ

ارزیابی و تصویب شده‌ی کمیته‌ی داوران پایان‌نامه با درجه‌ی

امضاء	سمت	مرتبه‌ی علمی	نام و نام خانوادگی
	استاد راهنما و رئیس کمیته‌ی داوران	دانشیار	رامین محرمی
	استاد مشاور	دانشیار	شکرالله پور الخاص
	داور	استادیار	عسگر صلاحی

تابستان - ۱۳۹۳

سپاسگزاری

سپاس خداوندی را سزاست که علم را به معرفت زیور داد و نعمت‌هایش را بر انسان ارزانی داشت. بعد از سپاس خالق بی‌همتا وظیفه‌ی خود می‌دانم مراتب سپاس خود را نسبت به استادان و بزرگوارانی که در طول دوره‌ی تحصیلی از محضر آنان کسب فیض نموده‌ام، اظهار کنم. از استادانی که چون شمع ذره ذره‌ی وجودشان را فدا می‌کنند تا ما دانش‌جویان را از تاریکی جهل نجات دهند، تشکر می‌کنم. از جناب آقای دکتر محرمی استاد راهنمایم، که در نگارش این پژوهش به قدر توانایی‌ام از بینش و دانش علمی ایشان بهره‌بردم و اگر این رساله‌ی حسنی دارد ثمره‌ی دید علمی ایشان است و هم‌چنین از جناب آقای دکتر پورالخاص استاد مشاور این پایان‌نامه که همواره راهنمای ما دانش‌جویان بوده‌اند؛ کمال تشکر را دارم.

در پایان از والدین عزیزم که همواره زحمات زیادی برای من کشیده‌اند، تشکر می‌کنم و امیدوارم بتوانم ذره‌ای از زحماتشان را جبران کنم.

نام خانوادگی دانشجو: وفادار	نام: بهروز
عنوان پایان نامه:	
«بررسی و تبیین رابطه‌ی ادبیات پایداری فلسطین با ادبیات مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دیوان محمود درویش و اشعار انقلابی علی موسوی گرمارودی»	

استاد راهنما: رامین محرمی استاد مشاور: شکرالله پورالخاص	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی	گرایش: مقاومت دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی صفحات: ۱۲۰	تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/ ۶ / ۴ تعداد
چکیده:	
<p>فلسطین مهم‌ترین مسئله در جهان اسلام بوده و با انقلاب اسلامی ایران به دلیل داشتن ایدئولوژی اسلامی، گره خورده است به گونه‌ای که شاعران انقلاب اسلامی همواره سعی کرده‌اند در اشعارشان از ملت مظلوم فلسطین دفاع کنند. در این پژوهش برای تبیین رابطه‌ی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین، ضمن تعریف ادبیات مقاومت، ویژگی‌های ادبیات مقاومت دو کشور و هم‌چنین مشخص کردن محورهای ادبیات تطبیقی، با استفاده از اشعار محمود درویش و موسوی گرمارودی به بررسی مضامین پایداری و شاخصه‌های ادبی دو ادبیات پرداخته‌ایم. مضامین مشترک بسیاری در اشعار محمود درویش و موسوی گرمارودی می‌توان یافت. اما زاویه‌ی دید شاعران به این مضامین، متناسب با شرایط جامعه و هم‌چنین روحیات و نگرش ادبی، متفاوت است و از طرفی توجه شاعر فلسطین به ادبیات، به مراتب بیش‌تر از شاعر ایرانی است؛ در مقابل، مضمون برای شاعر ایرانی اهمیتش از ادبیات بالاتر است. با وجود این‌که، تأثیر ایدئولوژیکی مسئله‌ی فلسطین را به‌وضوح می‌توان در اشعار موسوی گرمارودی یافت، اما باید توجه داشت، شاعر ایرانی به خاطر تأثیر از ادبیات پایداری فلسطین از ملت فلسطین حمایت نمی‌کند بلکه شاعر می‌خواست به‌یکی از آرمان‌های</p>	

انقلاب اسلامی، که همان دفاع از مظلومان جهان بود، جامه‌ی عمل بپوشاند. در مقابل نیز ادبیات مقاومت ایران نتوانست بر شاعر فلسطین تأثیر چندانی بگذارد و این موضوع در دیوان محمود درویش نمایان است.

کلید واژه‌ها:

۱- ادبیات تطبیقی ۲ - ادبیات مقاومت در ایران و فلسطین، ۳ - نگرش شاعر ایرانی به مسئله‌ی فلسطین، ۴ - نگرش شاعر فلسطین به انقلاب اسلامی، ۵- مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی و مضامین پایداری دو ادبیات با دید تطبیقی، ۶- ویژگی‌های ادبیات مقاومت، ۷- ویژگی‌های شعری و نگرش- های دو شاعر،

فهرست مطالب

شماره و عنوان مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش

- ۱-۱- مقدمه..... ۲
- ۲-۱- بیان مسئله..... ۳
- ۳-۱- سؤالات پژوهش..... ۱۰
- ۴-۱- فرضیه‌های پژوهش..... ۱۱
- ۵-۱- اهداف پژوهش..... ۱۱
- ۶-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۱۲
- ۷-۱- پیشینه‌ی تحقیق..... ۱۲
- ۸-۱- روش تحقیق..... ۱۴

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

- ۱-۲- ویژگی‌های ادبیات مقاومت..... ۱۷
- ۲-۲- ادبیات مقاومت در ایران..... ۲۱
- ۳-۲- ادبیات مقاومت در فلسطین..... ۳۱
- ۴-۲- زندگی و ویژگی شعری محموددرویش..... ۳۷
- ۵-۲- زندگی و ویژگی شعری موسوی گرمارودی..... ۴۰
- ۶-۲- ادبیات تطبیقی..... ۴۲
- ۷-۲- اهمیت ادبیات تطبیقی..... ۴۵

فصل سوم: بحث و بررسی

- ۱-۳- مهمترین شاخصه‌های ادبی دو ادبیات با دید تطبیقی..... ۴۷
- ۱-۱-۳- نمادگرایی..... ۴۷
- ۲-۱-۳- لحن شعری..... ۵۳
- ۳-۱-۳- نحوه‌ی نگرش شاعران به حوادث..... ۵۸
- ۴-۱-۳- نوع رابطه با ادبیات پایداری غرب..... ۶۲
- ۵-۱-۳- استفاده از شخصیت‌های ملی و دینی..... ۶۴

۷۲.....	۳-۱-۶- زمان آگاهی
۷۴.....	۳-۱-۷- «من» شعری
۷۷.....	۳-۱-۸- توجه به مسائل ادبی
۷۸.....	۳-۲- عمده مضامین پایداری دو ادبیات با دید تطبیقی
۷۸.....	۳-۲-۱- عشق به وطن
۸۳.....	۳-۲-۲- هویت گرایی
۸۷.....	۳-۲-۳- امید به آینده
۹۲.....	۳-۲-۴- اعتراض
۹۵.....	۳-۲-۵- رهبریت مقاومت
۹۷.....	۳-۲-۶- مضمون شهید
۹۷.....	۳-۲-۶-۱- ستایش شهید
۹۹.....	۳-۲-۶-۲- تمنای شهادت
۱۰۰.....	۳-۲-۶-۳- مرثیه بر شهیدان
۱۰۱.....	۳-۲-۷- تهدید و تحقیر دشمن
۱۰۳.....	۳-۲-۸- دعوت به مبارزه
۱۰۴.....	۳-۲-۹- ستایش از جانباز
۱۰۵.....	۳-۳- نگرش شاعر ایرانی به مسئله‌ی فلسطین
۱۰۸.....	۳-۴- نگرش شاعر فلسطین به انقلاب اسلامی

فصل چهارم: نتیجه‌ی پژوهش

۱۱۲.....	۴-۱- نتیجه گیری
۱۱۵.....	فهرست منابع و مآخذ



کلیات پژوهش

فصل اول

ملت ایران و فلسطین با نابسامانی‌ها و تهدیدهای مختلفی رو به رو بوده و همواره برای نجات جامعه‌ی خود مبارزه و مقاومت را تنها راه موفقیت شناخته‌اند، ادبیات مقاومت آن‌ها نیز به اشکال مختلف در کنار ملت خود مبارزه کرد و هم‌چنان نیز متناسب با شرایط جامعه مبارزه می‌کند. می‌دانیم که بسترهای اجتماعی مهم-ترین عامل مؤثر در ادبیات پایداری است و ادبیات پایداری همواره متناسب با آن شکل و زبان خود را تغییر می‌دهد. ادبیات پایداری به‌وجود آمده در این کشورها همواره از شرایط جامعه متأثر بوده و ادبیات پایداری برای بهبود آن تلاش کرده و می‌کند. در واقع شاخصه‌ی شعرپایداری متأثر بودن آن از شرایط جامعه بوده و آیینی‌ی زمان خود است آنچه بازتاب می‌دهد ریشه در واقعیت دارد و می‌توان گفت محرکه‌ی شعر پایداری تحولات جامعه است. بنابراین ادبیات پایداری را در هر جامعه‌ای نمی‌توان پیدا کرد. این شعر مرهمی است بر جامعه‌ی دردمند که متناسب با شرایط جامعه اعلام وجود می‌کند. شعر مقاومت عصیان در برابر وضع موجود جامعه بوده و اگر شرایط جامعه نابسامان، و جامعه در معرض تهدیدهای خارجی و داخلی باشد ادبیات پایداری، فریاد سرداده و سعی در نجات جامعه‌ی خود دارد. بنابراین نمی‌توان گفت که ادبیات پایداری ایران تحت تأثیر ادبیات پایداری فلسطین به‌وجود آمد چرا که دفاع از وطن، و ارزش‌های انقلاب و وظیفه‌ی شاعران ایرانی بوده و به‌خاطر تأثیر از ادبیات مقاومت فلسطین فریاد "آزادی" و مقاومت سر نداده‌اند. بلکه این فریاد مقاومت، احساس مسئولیتی بود که شاعر ایرانی نسبت به جامعه‌ی خود داشت.

مسئله‌ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار داده‌ایم، رابطه‌ی ادبیات پایداری این دو ملت است که به دلیل تشابهات فرهنگی و دینی، دارای مضامین مشترک بسیاری با هم هستند ولی آنچه اهمیت دارد این است که هر کدام از این دو ادبیات هدفشان نجات جامعه‌ی خود و در واقع مرهمی برای جامعه‌ی دردمند خود هستند بنابراین این مرهم‌ها باید درعین شباهت، تفاوت‌های نیز باهم داشته باشند؛ چراکه شرایط کاملاً

یکسانی بر دو جامعه حاکم نیست و با تغییر تحولات اجتماعی، ادبیات پایداری نیز شکل خود را تغییر می‌دهد. ادبیات پایداری در هر دوره‌ی ویژگی دارد که بنابر مقتضیات جامعه و تحت تأثیر شرایط هر دوره، متفاوت بوده است. بنابر شرایط جامعه گاهی فریاد بلند، گاهی نجوایی آرام و گاهی سلاح بران بوده و به تبع آن، اهداف متفاوتی را هم دنبال می‌کند؛ باید توجه داشت ادبیات پایداری صدای جامعه است و در هر دوره این صدا بسامدهای دارد که باید به این صداها گوش فرا داد و آن‌ها را از هم بازشناخت. علاوه بر این نحوه‌ی بیان و نگرش شاعران به حوادث، روحیات و احساسات شاعر، در به وجود آمدن ویژگی‌های ادبیات پایداری دخیل است. در این پژوهش سعی کرده‌ایم ویژگی‌های شعری و پایداری دو ادبیات را با دید تطبیقی، مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲- بیان مسئله

ادبیات مقاومت گاهی بانگ بلندی است که پیوسته رساتر می‌گردد و همیشه از سلاح بیداری برای مبارزه کمک می‌گیرد گاه رنگ نجوا می‌گیرد تا آلام دردمندان مقاومت ملی را مرهم نهد اما هرگز خاموش نمی‌شود. غایت ادبیات مقاومت شکستن سدها و برداشتن موانع ضد تعالی انسانی است. ادبیات مقاومت همواره سوار بر مرکب ادبیات بوده و ادبیاتی است که برای تحکیم پایه‌های وجود انسان برای خیر و خوبی و آرامش و برای رویارویی با دشمن تلاش می‌کند و بیان‌گر وجود و هویت و ادبیاتی است که چشم به آزادی دوخته و همواره مردم و حفظ ارزش‌های والا را مد نظر قرار داده، منظور از آزادی نجات شخص نیست بلکه همواره رهایی همگان مد نظر است. ادبیات پایداری زاینده‌ی مبارزات مداوم و اعتراض شجاعانه شاعران و نویسندگان است که رنج‌ها و دردهای ملت‌های خود را لمس می‌کنند و هرگز در برابر ظلم، تعدی، تجاوز، ضعیف‌کشی و قدرت‌نمایی دستگاه‌ها و ظالمان تسلیم نمی‌شوند. به گفته‌ی لوسین گلدمن «در شعر مقاومت اگرچه شاعر سرآینده‌ی شعر است ولی به تنهایی خود آفریننده‌ی آن نیست» (صیدی، ۱۳۸۹: ۵۳).

ادبیات مقاومت از آنجا که بیان‌گر درد و رنج‌های است که در برهه‌های تاریخی بر ملت‌ها یا بخشی از آن‌ها می‌گذرد لذا پیوسته نمایش‌گر اضداد است، مرگ را در برابر حیات، و آزادی را در برابر اسارت مطرح می‌کند. در انقلاب اسلامی ایران همین ویژگی را می‌توان به وضوح دید. مثلاً معنای "آزادی" با ضد آن یعنی "اسارت" بهتر برای مردم آشکار می‌شود.

«ادبیات مقاومت به معنای خاص کلمه در جهان معاصر عموماً در خاور میانه، آمریکای لاتین، ویتنام، ایرلند، بوسنی، و اخیراً در عراق، افغانستان، و آسیای میانه بنا بر دلایل سیاسی و تاریخی نمود بیشتری داشته است» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

در ایران این نوع ادبیات را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد ۱- ادبیات دوره‌ی مشروطه ۲- دوره‌ی پهلوی به اشکال کارگری ملی و حماسی، سمبویک و نمادین بروز پیدا می‌کند ۳- انقلاب اسلامی ایران و بعد از انقلاب اسلامی که بخش عمده‌ای از آن مربوط به دفاع مقدس است.

هرچند گروهی ادبیات انقلاب اسلامی را از ادبیات دفاع مقدس جدا نمی‌دانند و این نظر باعث شده است به ادبیات دفاع مقدس که از نظر ادبی، پخته‌تر از انقلاب اسلامی است توجه بیشتری شود و زمانی که از ادبیات مقاومت سخن می‌گویند آن را محدود به دفاع مقدس می‌دانند. درست است که این دو در امتداد هم هستند و در واقع یک راه را به وجود می‌آورند اما شاعر مناظری که در این راه می‌بیند متفاوت است و این مناظر متفاوت، تصاویر متفاوت را به وجود می‌آورد. شاعر انقلاب اسلامی و حتی اوایل دفاع مقدس، متناسب با سرعت انقلاب، چنان با سرعت حرکت می‌کند که به مناظر توجه چندانی ندارد و برای او هدف اهمیت دارد؛ در ادامه راه است که شاعر ما فرصت پیدا می‌کند تا به مناظر اطراف خود توجه کند و به تصویر آفرینی بپردازد. اگر فرض کنیم دفاع مقدس به وجود نمی‌آمد ما نباید به ادبیات انقلاب اسلامی توجه می‌کردیم و آن را از سیر فرهنگ ملت ایران پاک می‌کردیم! به نظر می‌رسد ادبیات مقاومت ما هنوز جایگاه خود را نتوانسته است پیدا کند.

ادبیات مقاومت فلسطین را نیز می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

➤ «ادبیات مقاومتی که بعد از عهد نامه‌ی بالفور ۱۹۱۷ به وجود آمد و در واقع آغاز شعر مقاومت در فلسطین بود.

➤ به دنبال شکست انقلابات فلسطین، بعد از ۱۹۲۱ و روحیه‌ی شکست و ناامیدی در شاعران به وجود آمد.

➤ نسل بعد از شکست نسل فریاد، صدا های بلند در شعر وجود دارد و روحیه‌ی مقاومت بعد از جنایات صهیونیست‌ها در ملت فلسطین و در موازات آن در شعر به وجود آمد. می‌توان از شاعران این دوره به محمود درویش، توفیق زیاد، سمیح قاسم، راشد حسین، خالد سعید، و... اشاره کرد» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

این سه مرحله را می‌توان به سه مرحله‌ی ادبیات مقاومت ایران مقایسه کرد: دوره‌ی اول را می‌توان با مشروطه، که آغازگر ادبیات مقاومت در ایران است؛ دوره‌ی دوم را با خفقان و ناامیدی‌های دوران پهلوی و دوره‌ی سوم را با ادبیات انقلاب اسلامی مقایسه کرد. سیر ادبیات مقاومت این دو ملت شباهت‌های با هم دارند که نشأت گرفته از عوامل سیاسی و اجتماعی است.

به نظر (هیپولیت تن)^۱ عواملی که تمام ویژگی‌های ادبی و هنری هر ملت به آن‌ها باز می‌گردد سه عامل است:

۱- «نژاد: مجموعه استعدادهای فطری است که عده ای را از دیگران که از یک اصل سرازیر شده‌اند متمایز می‌کند هرگاه نژادی را به عنوان مثال مانند: نژادهای سامی و آریایی را در نظر بگیریم خواهیم دید که هر یک دارای خصائص جسمی مخصوص به خود هستند که به تبع آن با خصوصیات ذهنی که در آثارشان متجلی می‌شود از دیگران متمایز می‌گردند هرچند از نظر سیستم‌های حکومت و درجات تمدن و محیط، دوری و نزدیکی از یکدیگر متفاوت باشد.

۱-(Hippolyte Taine)

۲- محیط: مقصود از این واژه عوامل طبیعی، موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی که در طرز تفکر نژادها تأثیر می‌گذارد عامل تأثیر محیط خارجی است؛ برخلاف تأثیر نژاد که امری درونی است.

۳- نیروی جهت دهنده که از میراث گذشته قدرت می‌گیرد یا نیروی مکتسب از فرهنگ مردم در طول تاریخ یا از تأثیر زمان گذشته از زمان حال و اتکاء ادبیات هر زمان بر ادبیات زمان پیش از خود نامیده می‌شود» (هیپولیت تن، به نقل از: غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۸۹-۹۲)

محیط در ادبیات مقاومت می‌تواند از دو عامل دیگر مؤثرتر باشد. این عوامل محیطی است که ادبیات مقاومت فرانسه، ایران، فلسطین، الجزایر، آمریکای لاتین، عراق، و... را به هم نزدیک می‌کند البته ادبیات مقاومت در معنای خاص خود که بعد از انقلاب فرانسه به وجود آمد مد نظر است.

ادبیات مقاومت فلسطین با شاعران بزرگ و آثار ماندگار و محیط سیاسی اجتماعی مشترک با ایران است در واقع «شاعران پایداری رخدادهای مشابهی چون درد رنج، ترس، بی‌خانمانی، مقاومت و مبارزه و کشته شدن، اسارت، ویرانی، و فروپاشی زندگانی‌ها را مشاهده و تجربه می‌کند و این همسانی‌ها و اشتراکات، شباهت‌های را در زبان، عاطفه و حتی تصاویر و توصیفات فراهم می‌کند این درست به آن می‌ماند که چند نفر صحنه‌ی واحدی را مشاهده کنند که با همه‌ی تفاوت‌ها در دید و زاویه‌ی نگاه مشترکاتی در توصیفاتشان می‌توان یافت» (سنگری، ۱۳۸۹: ۵۶). نسل بعد از شکست ادبیات فلسطین، با انقلاب اسلامی شباهت‌های فراوانی دارند ولی این شباهت‌های فراوان را نباید تأثیر به حساب آورد در واقع شاعر انقلاب ما فرصت نداشته است حتی درباره‌ی آنچه که می‌نویسد، تأمل کند؛ چه برسد به آن‌که از دیگران تأثیر پذیرد البته بعد از پشت‌سر گذاشتن اوایل جنگ، شاعر فرصت پیدا می‌کند علاوه بر آن‌چه که می‌گوید به "چگونه گفتن" هم توجه کند. «انقلاب اسلامی چنان با سرعت پیش می‌رفت که حتی بعضی از سران و دولت مردان هم باورشان نمی‌شد که در آینده‌ی نزدیک بتوان نظام طاغوت را سرنگون کرد» [...] به علت عظمت انقلاب و حرکت تند و طوفان‌واری است که به شاعران فرصت اندیشیدن و آفرینش آثار قوی و مایه‌دار را نداده

است» (اکبری، ۱۳۷۳: ۱۰). به همین دلیل شاعران ما فرصت نداشتند که آثار قوی ادبیات مقاومت جهان به خصوص ادبیات مقاومت فلسطین را خوانده و از آن تأثیر پذیرد.

نگرش محمود درویش نسبت به شعر با نگرش موسوی گرمارودی با وجود شباهت‌ها در مفاهیم متفاوت است. «محمود درویش از جمله شاعرانی است که با وجود داشتن موضوع و مضمونی ناب و نهادین در شعر، به شعریت محض در باز آفرینی و بیان و اصالت هنری سخت اعتقاد دارد [...] نبوغ هنری شاعر در القای موضوع و تناظر هنری شعریت و موضوعیت چیزی است که در نهایت به شعر او جنبه‌ی جهانی و هویتی ورای زمان و مکان می‌بخشد» (اسوار، ۱۳۸۹: ۱۱). اما در مقابل «گریز از تکنیک در شعر گرمارودی گاه نمودی برجسته پیدا می‌کند به اقرار خود شاعر می‌رسیم که صراحتاً پرداختن به ایماژ و زبان مستقل را تحقیر می‌کند:

شاعر نه در سوگ تو / بلکه برای رسیدن به زبان مستقل شعر می‌گوید کدام شاعرترند آن‌که از سر انگشتان / بر دیوارها تصویر سرخ می‌کشد یا آن‌که با کلمات در شعر سپید نقش رنگین می‌زند / شعر گرمارودی اندیشه‌ی شکل یافته است که در قالب کلمات عرضه می‌شود حال آن‌که شعر واقعی کلماتی است شکل یافته که اندیشه‌ای را عرضه می‌کند» (بهبودی، ۱۳۷۳: ۷۹).

برای مثال:

صدیقی، آخی، یا حبیبی الأخیرا...	دوستم، برادرم، ای آخرین عزیز من
أما كان من حقنا أن ننام القَطَط	آیا سزای ما نبود که مانند گربه‌ها بخوابیم
على ظلِّ حائط؟	در سایه‌ی دیواری؟
أما كان من حقنا أن نظيرا	آیا سزای ما نبود که پرواز کنیم
ككلِّ الطيورِ إلى تينهٍ متربه...؟...	مانند همه‌ی پرندگان به سوی درخت انجیر خاک گرفته‌ای
صدیقی، آخی، یا حبیبی أخیرا	دوستم، برادرم، ای آخرین عزیز من

أما كان من حقنا أن نداعب قطه؟

آیا سزای ما نبود که با گربه‌ی بازی کنیم

أما حقنا أن نرى وردة

آیا سزای ما نبود که گل سرخی را ببینیم

دون أن نتوجس فيها دماً قداماً من مكان قريب؟... بدون آن‌که در آن از خونی بیمناک باشیم که از جایی

نزدیک می‌آید؟

أما كان من حقنا يا حبيبي

آیا سزای ما نبود ای دوست من

أن نسند التعب الحلو فوق حجر....

هنگام خستگی شیرین، بریکی تخته سنگ تکیه دهیم؟

من الصعب أن يتدفق صوت حبيبي

سخت است که صدای دوست من فریاد کند

ولا يتحول قلبي إلى فرس أمل

و قلب من به اسب امید تبدیل نشود

(درویش، ج ۲، ۱۹۹۴: ۱۳۸-۱۳۵)

چمران / مردی به ازای شرف / به تردی ساقه‌ی انجیر / صخره‌ای زیر آب: صلابت آرام و مستتر خشونت در

بازوان / او به استراحت می‌نشست/ تا راست بایستد /دستان نوازشش گربه‌ها را پلنگی می‌آموخت/ باچشمانی

صبور و سمور / تندیس «عمل» «أمل» / چون تندیس آرام / بی‌ادعا چون باران / به سادگی آب از ناودان هر

دل / جاری بود / بر برج بیداری، شاهین/ با پرواز و نگاه کبوتران / میان بسته / بازوان گشاده/ در هودج

عشقی سرخ / از حریر خون گذشت/

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۹)

این دو شعر صرف نظر از دوره‌ی زمانی دارای شباهت‌های است از جمله: هر دو شعر مرثیه‌ی برای شهدای

انقلابشان است شعر درویش مرثیه‌ی برای "ماجد ابوشرار"، روزنامه‌نگار برجسته‌ی فلسطینی و شعر

گرمارودی مرثیه‌ی برای شهید بزرگوار "چمران" است. حتی واژه‌هایی می‌توان یافت که در دو شعراز نظر

لفظ، یکی است برای مثال: انجیر، گربه، أمل، خون، سنگ، خسته‌گی و تعب، استراحت، سرخی و پرندگان